

راهکارهای ارائه روایت دینی از


ضرورت و نحوه مشارکت مردم

در انتخابات

مجمع خطباء اصحاب الصاحب

وَتَوَاصُوا بِالْحَقِّ

حضور مردم در صحنه؛ این باید ترویج بشود.
هر کسی صدایی دارد هر کسی زبان گویایی دارد؛
هر کسی مخاطبی دارد، هر کسی میتواند اثر بگذارد
باید روی این زمینه کار کند. و تواصوا بالحق.
این حق است. تواص به حق وظیفه همه است.

۱۴۰۲/۱۰/۱۹ |  KHAMENEI.IR | رهبرانقلاب اسلامی



فهرست

- مقدمه..... ۴
۱. استقامت مردم برای تکامل مسئولین چه لوازمی دارد: لَا تَصْلُحُ الْوَلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ..... ۶
۲. لزوم سخن گفتن از ارزش پای صندوق آمدن مردم: لَا يَطْتُونَ مَوْطِنًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ إِلَّا..... ۱۳
۳. لزوم حساس کردن مردم نسبت به وسوسه‌های دشمنان برای افزایش مشارکت: الَّذِي يُوسُوسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ..... ۱۶
۴. مشارکت مردم، عقبه دینی دارد: لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَقِيَامُ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ لَأَلْقَيْتُ..... ۲۰
۵. یادآوری پیشرفت‌های نظام به مردم برای افزایش مشارکت: وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ..... ۲۸



بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على سيدنا محمد و
آله الطاهرين لاسيما بقيه الله في الارضين و لعنه الله
على اعدائهم اجمعين.

همواره موضوع انتخابات جز اصلی ترین مباحث نظام
اسلامی بوده است. بارها مشاهده کردیم که رهبران
بزرگوار انقلاب اسلامی در هر دوره تاکید بسیاری مبنی
بر مشارکت بالا در انتخابات داشتند.

جمع خطبا اصحاب الصاحب با توجه به حساسیت و
اهمیت این مساله پای در عرصه علمی این موضوع قرار
داده است. برای همین سلسله جلسات مباحثه اعضای
مجمع با موضوعات مختلف و متنوع ترتیب داده است.

یکی از اهداف مجمع پرداختن به مطالب مهم جامعه که دستور کار ویژه خود قرار داده است این است: روایت درست و دست اول با تکیه بر قوام طلبگی و منبری و برگرفته از آیات کریمه و روایات شریفه و تواریخ و تحلیل و تطبیق با موضوع روی زمین مانده یا کمتر توجه شده قرار داده است.

جلسه اخیر حول محور انتخابات با ریز موضوع نحوه ارتباط گیری و تشویق و ترغیب در جهت موضع گیری ها و همت در استقامت در جبهه حق بحث شده است. فلذا ما حاصل مکتوب مباحثات طلبگی با ویژگی علمی و قید فوری محضر دیدگان شما عزیزان جهت استفاده تقدیم می‌گردد.

مجمع خطبا اصحاب الصاحب

۱. استقامت مردم برای تکامل مسئولین چه لوازمی دارد: لَا تَصْلُحُ الْوُلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ.



حجت الاسلام محمد سعادت‌مند

موضوع این قسمت، شرح قرآنی و روایی مفهوم «استقامت مردم» در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه می‌باشد. امیرالمؤمنین (علیه السلام) در این خطبه می‌فرماید: «امور مردم و امور کشور اصلاح نمی‌شود مگر با اصلاح ولاة و تکامل مسئولین کشور؛ و تکامل مسئولین رقم نمی‌خورد مگر با استقامت مردم.»^۱

در مورد مفهوم استقامت سه سوال مطرح می‌شود:

استقامت مردم چه معنایی دارد؟

موضوع استقامت چیست؟

نتیجه استقامت چیست؟

۱. فَلَيْسَتْ تَصْلُحُ الرَّعِيَّةُ إِلَّا بِصَلَاحِ الْوُلَاةِ وَ لَا تَصْلُحُ الْوُلَاةُ إِلَّا بِاسْتِقَامَةِ الرَّعِيَّةِ

[نهج البلاغه، خطبه ۲۱۶]

رعیت اصلاح نشود مگر به صلاح حاکمان، و حاکمان اصلاح نگردند مگر به

استقامت رعیت. [ترجمه استاد حسین انصاریان]

ابتدا به سوال اول پاسخ می‌دهیم؛ معنای استقامت مردم چیست؟

رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در شأن نزول آیه ۸۹ سوره یونس^۱ فرموده‌اند که حضرت موسی (علیه‌السلام) دعا کردند و حضرت هارون (علیه‌السلام) و ملائکه آمین گفتند؛ در اینجا خداوند متعال می‌فرماید دعایتان مستجاب شد، پس استقامت کنید و هر کس - مثل شما دو نفر - اهل مبارزه و جنگیدن باشد، انتظار داشته باشد که دعایش را مستجاب کنم. ۲. خدای متعال در این آیه امر به استقامت کرده است؛ یعنی بر همین مبارزه‌ای که علیه طواغیت و دشمنان داشته‌اید و انجام می‌دادید، استقامت کنید.

۱. قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمْ فَاسْتَقِيمَا وَ لَاتَتَّبِعَانِ سَبِيلَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ [سوره

مبارکه یونس، آیه ۸۹]

خدا فرمود: «خواستگرتان پذیرفته شد؛ پس در انجام دادن مأموریت‌تان

ثابت‌قدم باشید و دنبال راه و روش نادان‌ها نرفتید.» [ترجمه علی ملکی]

۲. الرَّسُولُ (صلی‌الله‌علیه‌وآله) - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (علیه‌السلام) قَالَ قَالَ رَسُولُ

اللَّهِ (صلی‌الله‌علیه‌وآله) دَعَا مُوسَى وَ أَمَّنَ هَارُونُ وَ أَمَّنَتِ الْمَلَائِكَةُ فَقَالَ اللَّهُ

سُبْحَانَهُ اسْتَقِيمَا فَقَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمْ وَ مَنْ عَزَا فِي سَبِيلِي اسْتَجَبْتُ لَهُ إِلَى

يَوْمِ الْقِيَامَةِ.

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) - امام صادق (علیه‌السلام) فرمود:

پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله) فرمود: موسی (علیه‌السلام) دعا می‌کرد و

هارون (علیه‌السلام) آمین می‌گفت و فرشتگان نیز آمین می‌گفتند. سپس

خداوند متعال فرمود: «قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمْ فَاسْتَقِيمَا» و هر کس که در راه

خدا مبارزه کند، دعایش مستجاب خواهد شد؛ همان‌طوری که دعای شما

(ای موسی و هارون) در روز قیامت مورد اجابت قرار خواهد گرفت.

استقامت در ادبیات قرآنی و روایی به معنای استقامت بر مبارزه و ایستادن در مقابل دشمن است. همان‌طور که در ابتدا بیان شد که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در خطبه ۲۱۶ نهج البلاغه فرمودند تکامل ولایة و مسئولین جامعه فقط با استقامت مردم محقق می‌شود.

بر اساس روایت مذکور از امام صادق (علیه‌السلام)، مردم باید مبارزه و جنگیدن را ادامه بدهند. بدیهی است که جنگیدنی که در این آیه به حضرت موسی و حضرت هارون (علیهماالسلام) نسبت داده شده است، جنگ نظامی نیست و این دو پیامبر خدا به مبارزه انقلابی نیز می‌پرداختند تا نگاه حکمرانی جامعه متحول شود.

امروز هم حرف‌ها همین است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به دنبال استقامت در مبارزه برای تکامل مسئولین، نمایندگان مجلس، وزیر و وکلای جامعه می‌باشند. هم‌اکنون نیز یکی از دعا‌های همیشگی در هیئت‌ها این است که پروردگارا مسئولان خائن در کشور را از بین ببر و مسئولان دلسوز در کشورمان را حمایت نما. طبق این روایت، اگر هیئت‌ها اهل مبارزه و جهاد فی سبیل الله و جهاد تبیین نباشند، نباید انتظار مستجاب شدن دعایشان را داشته باشند.

سوال دوم: موضوع استقامت چیست و بر چه چیز باید استقامت کرد؟

در خطبه ۱۷۶ نهج البلاغه پاسخ این سؤال داده شده است. امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) ذیل آیه ۳۰ سوره

مبارکه فصلت^۱ می‌فرمایند محور و موضوع استقامت تان بایستی کتاب خدا باشد؛ بر کتاب او و بر منهاج امر خدا استقامت کنید.^۲

این سوال مطرح می‌شود که دقیقاً بر چه موضوعی باید استقامت کنیم؟ اگر بخواهیم در یک جمله پاسخ این سوال را بدهیم، باید بگوییم باید برای تکامل مسئولان، بر حاکم کردن کتاب خدا و روایات اهل بیت در جامعه استقامت کنید. در بیان ساده‌تر، همان تعبیر مرحوم امام که به زمینه‌سازی ظهور اشاره می‌کردند که مسئولی که به زعم خودش خدمت بکند ولی در جهت زمینه‌سازی ظهور نباشد، خیانت کرده است و یا می‌توان به تعبیر «تمدن‌سازی اسلامی» رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) اشاره کرد.^۳ تعابیر مختلف است،

۱. إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ [سوره مبارکه فصلت، آیه ۳۰]
البته کسانی که گفتند: «صاحب‌اختیارمان خداست» و پای حرفشان ایستادند، فرشتگان در هنگام مرگ بر آنان فرود می‌آیند که: «نترسید و غصه ترسی از آینده نداشته باشید و غصه گذشته را نخورید! مزده باد شما را به بهشتی که در دنیا به شما وعده می‌دادند. [ترجمه علی ملکی]

۲. أَلَا وَ إِنَّ الْقَدَرَ السَّابِقَ قَدْ وَقَعَ وَ الْقَضَاءَ الْمَاضِيَ قَدْ تَوَرَّدَ، وَ إِنِّي مُتَكَلِّمٌ بَعْدَةَ اللَّهِ وَ حُجَّتِهِ، قَالَ اللَّهُ [جَلَّ ذِكْرُهُ] تَعَالَى «إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا وَ أَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ»، وَ قَدْ فُلْتُمْ رَبُّنَا اللَّهُ، فَاسْتَقِيمُوا عَلَى كِتَابِهِ وَ عَلَى مِنْهَاجِ أَمْرِهِ وَ عَلَى الطَّرِيقَةِ الصَّالِحَةِ مِنْ عِبَادَتِهِ، ثُمَّ لَاتَمْرُقُوا مِنْهَا وَ لَا تَبْتَدِعُوا فِيهَا وَ لَا تَخَالِفُوا عَنْهَا، فَإِنَّ أَهْلَ الْمُرُوقِ مُنْقَطِعٌ بِهِمْ عِنْدَ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ. [نهج البلاغه، خطبه

۱۷۶ ترجمه استاد حسین انصاریان]

۳. بیانات در دیدار جوانان خراسان شمالی ۱۳۹۱/۷/۲۳.

ولی مضمون همه‌شان یکی است. بنابراین، موضوع استقامت این است که برای اصلاح و تکامل نماینده‌های مجلس و مسئولان، باید مبارزه‌مان در راستای حاکم کردن قرآن و روایات باشد. در بیان روشن‌تر، در انتخاب نماینده توسط مردم، شاخص ساده و روشن در بحث تمدن‌سازی اسلامی این است که کاندیداهایی که بر سر تمدن‌سازی و معماری اقتصاد اسلامی جنگیده‌اند و در این راه سابقه دارند را برای حاکم کردن قرآن و روایات، موضوع استقامت خود قرار بدهیم.

سوال سوم: نتیجه این استقامتی که پای تکامل مسئولان می‌کنیم، چیست؟ ممکن است مردم بگویند خسته شده‌ایم، چقدر استقامت کنیم؟ فایده‌ای ندارد و همیشه اوضاع همین‌طور خواهد بود.

همان‌طور که بیان شد یکی از پاسخ‌های این پرسش در خطبه ۲۱۶ آمده است که اصلاح امور با استقامت مردم رقم می‌خورد و نتیجه آن تکامل مسئولین می‌باشد. پاسخ دوم روایتی است که ابابصیر از امام باقر (علیه‌السلام) در شرح فایده‌ای که در قرآن فرمودند، نقل می‌کند؛^۱ فرمود اگر استقامت کنید، فرشتگان در

۱. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص ۵۲۴.

عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا قَالَ هُوَ وَ اللَّهُ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ وَ أَنْ لَوْ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً عَذَقًا قُلْتُ مَنْ تَنْزَلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ بِ أَلَّا تَخَافُوا وَ لَا تَحْزَنُوا

هنگام مرگ بر آنان فرود می‌آیند.^۱

حاج آقا با این بحث‌هایی که شما فرمودید، متوجه شدیم که باید برای تمدن‌سازی اسلامی و ارتقای مسئولان در امر انتخابات استقامت کنیم و پای صندوق‌های رأی برویم و انسان‌های شایسته را انتخاب کنیم. در نتیجه چه چیزی نصیب ما می‌شود؟ دنیا!

این وعده که فرشتگان فرود می‌آیند که نترسید و ترسی از آینده نداشته باشید و غصه گذشته را نخورید و مزده بهشت وعده داده شده را می‌دهند، چه زمانی رقم می‌خورد؟ امام باقر(علیه‌السلام) فرمود: هنگام مرگ و در قیامت.^۲ در روایات دیگری می‌فرمایند خستگی زمانی در می‌رود که در راه استقامت تمدن اسلامی و با نگاه تکامل مسئولین، جامعه را قرآنی‌تر و روایی‌تر بکنید. در این صورت، لحظه‌ای که مرگتان فرا می‌رسد، فرشته‌ها نازل می‌شوند و به شما آرامش می‌دهند.

نکته دوم این است که در روز قیامت، آن هنگام که آدمی حتی از برادر و خواهر خود نیز فرار می‌کند^۳ و همه اضطراب دارند، فرشتگان به فردی که پای تمدن‌سازی اسلامی و حاکم کردن قرآن و روایات از طریق اصلاح

وَأَبَشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ
فَقَالَ عِنْدَ الْمَوْتِ وَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

۱. [سوره مبارکه فصلت، آیه ۵۳]

۲. تأویل الآيات الظاهرة في فضائل العترة الطاهرة ص ۵۲۴.

۳. يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ [سوره مبارکه عبس، آیه ۳۴]

همان روزی که انسان از برادر و خواهرش فرار می‌کند. [ترجمه علی ملکی]

مسئولین استقامت کرده است، آرامش می‌دهند.

۲. لزوم سخن گفتن از ارزش پای صندوق آمدن

مردم: لَا يَطَّوْنِ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ

بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ



حجت الاسلام اکبر روستایی

دو نکته لازم است در این برهه بیان شود. نکته اول این که می‌توانیم روی آیه ۱۲۰ سوره توبه مانور بدهیم؛ دعوت مردم به حضور در انتخابات کار خوبی است، اما بهتر است آن‌ها به ارزش عملشان پی ببرند.

حضرت آقا هم در آستانه انتخابات به قسمتی از این آیه استشهاد کردند که می‌فرماید هیچ گامی که موجب خشم کافران می‌شود بر نمی‌دارند و ضربه‌ای از دشمن نمی‌خورند، مگر اینکه به خاطر آن، عمل صالحی برای آنها نوشته می‌شود.^۱ حضرت آقا برای حضور مردم در

۱. مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَنْ يَتَخَلَّفُوا عَنْ رَسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْغَبُوا بِأَنْفُسِهِمْ عَنْ نَفْسِهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا مَخْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَّوْنِ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ وَلَا يَنَالُونَ مِنْ عَدُوِّ

انتخابات از این آیه استفاده کردند و فرمودند که وقتی دشمن با انتخابات شما غضبناک می‌شود، معلوم است که انتخابات عمل صالح، ارزشمند و الهی است.

نکته دوم، بحث استفاده از رأی مردم در سیره معصومین (علیهم‌السلام) می‌باشد. در منابع شیعه، ابن کثیر نقل می‌کند که وقتی امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) به خلافت رسیدند، صعصعه بن صوحان را فرستادند تا از تمام زنان پیامبر را در این رابطه بیعت بگیرد و همه همسران رسول خدا بیعت کردند. درست است که همه مردم نیست، ولی یک بخشی از مردم هستند که رأی‌شان در جامعه اهمیت دارد. وقتی که امام معصوم برای رأی یک عده اهمیت قائل است، می‌شود مقداری این امر را پر و بال داد و از آن استفاده کرد.

همین‌طور مواردی وجود دارد که رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله) از رأی سایرین استفاده کرده‌اند. بدیهی است که امام معصوم و یا پیامبر خدا به رأی مردم نیاز ندارند؛ چرا که خداوند متعال خطاب به پیامبر

نَبِيًّا إِلَّا كُتِبَ لَهُمْ بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ [سوره مبارکه

توبه، آیه ۱۲۰]

مردم مدینه و ساکنان اطراف آن شهر حق ندارند که از همراهی با پیامبر خدا در جبهه و جنگ، شانه خالی کنند و حفظ جان خودشان را مهم‌تر از حفظ جان او بدانند؛ چون هر تشنگی و گرسنگی و رنجی که در راه خدا تحمل کنند و به هر جبهه‌ای که خشم دشمنان بی‌دین را برانگیزد، قدم بگذارند و حتی هر ضربه‌ای که به دشمن بزنند، در ازای تَكَ تَكَ این‌ها، کار خیر برایشان ثبت می‌شود. معلوم است که خدا پاداش افراد وظیفه‌شناس را پامال نمی‌کند.

[ترجمه علی ملکی]

اکرم (صلی‌الله‌علیه‌وآله) در قرآن کریم می‌فرماید آنچه تصمیم‌گرفتی با توکل به خدا انجام ده. ۱.۵
برای نشان دادن اهمیت حضور مردم در صحنه [انتخابات] به این‌گونه موارد می‌توانیم بپردازیم، تا ان‌شاءالله انگیزه مردم در این زمینه بیشتر گردد.

۱ . فِيمَا رَحِمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَ لَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ [سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۵۹]
به لطف خدا بود که با فراری‌های جنگ‌آحد به نرمی و ملایمت رفتار کردی؛ اگر خشن و سنگدل بودی، از دوروبرت پراکنده می‌شدند! پس، از خطاهایشان چشم‌پوش و برایشان آمرزش بخواه. تازه در کارها با آن‌ها مشورت کن؛ وقتی هم تصمیم به انجام کاری گرفتی، به خدا توکل کن که خدا اهل توکل را دوست دارد. [ترجمه علی ملکی]

۳. لزوم حساس کردن مردم نسبت به وسوسه‌های دشمنان برای افزایش مشارکت: الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ



حجت الاسلام سعید عبداللهی

اینکه مردم را به دشمن‌شناسی و دقت‌هایی که خداوند متعال در این عرصه برایمان قرار داده است توجه کنیم، خیلی ضرورت دارد.

خداوند متعال در ابتدای سوره فلق فرموده‌اند به یک ساحت الهی پناه ببرید؛ «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ»^۱ سپس در آیات بعدی، می‌فرماید از شر چند چیز به یک ساحت الهی پناه ببرید.^۲ اما در سوره ناس موضوع برعکس

۱ [سوره مبارکه فلق، آیه ۱]

حرفت در زندگی این باشد: «پناه می‌برم به خدایی که پرده شب را با طلوع صبح می‌شکافد!» [ترجمه علی ملکی]

۲ مِنْ شَرِّ مَا خَلَقَ * وَ مِنْ شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ * وَ مِنْ شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ * وَ مِنْ شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ [سوره مبارکه فلق، آیات ۲-۵]

است و می‌فرماید: «قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ * مَلِكِ النَّاسِ * إِلَهِ النَّاسِ»^۱ در تمام آیات بعدی «قُلْ أَعُوذُ» به قرینه محذوف شده است. به این سه ساحت الهی پناه ببرید از شر یک چیز، از شر آن وسوسه‌گر نهان.^۲ این وسوسه‌گر کیست؟ آن شیطان که در دل مردمان وسوسه و اندیشه بد می‌افکند.^۳

به خدا پناه ببرید از شر آن وسوسه‌گرانی که در دل‌های مردم تردید و شک ایجاد می‌کنند، آن کسانی که به مردم می‌گویند پای صندوق‌های رأی نیایید. یعنی باید مردم را به این موضوع توجه بدهیم. اگر مردم را نسبت به این موضوع حساس کردیم و بدانند که تمام آرزو و تلاش دشمن و برنامه تمام شبکه‌های ماهواره‌ای و اجتماعی این است که در انتخابات شرکت نکنیم. امام خمینی (رحمة الله) نیز می‌فرمودند ببینید دشمن از چه چیزی طرفداری می‌کند، بنابراین خط دشمن مشخص می‌شود و شما نیز باید از همان‌جا مخالفتتان را شروع

از شر هر موجودی که آسیب می‌رساند. از شر شب وقتی همه‌جا را می‌پوشاند. از شر هر جادوگری که رابطه‌ها را به هم می‌زند. و از شر حسود وقتی حسادتش گل می‌کند! [ترجمه علی ملکی]

۱. [سوره مبارکه ناس، آیات ۱-۳]

حرفت در زندگی این باشد: «پناه می‌برم به صاحب اختیار مردمان. فرمانروای مردمان. معبود مردمان.» [ترجمه علی ملکی]

۲. مِنْ شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ [سوره مبارکه ناس، آیه ۴]

از شرّ وسوسه‌گرِ پنهان. [ترجمه علی ملکی]

۳. الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ [سوره مبارکه ناس، آیه ۵]

همان‌که وسوسه می‌کند در دل مردمان [ترجمه علی ملکی]

کنید.

نکته بعدی که باید به آن بپردازیم، در رابطه با تمدن است؛ موضوعی که حضرت آقا ترسیم نمودند و همان پنج مرحله‌ای که ان شاء الله می‌خواهیم به تمدن و زمینه‌سازی ظهور حضرت حجت (عجل الله تعالی فرجه الشریف) ختم بشود.

ما در هر دو مرحله؛ به قول اساتید دانشگاه یک چرخش داریم؛ مثل اینکه وقتی می‌خواهیم در یک پلاستیک یا یک گونی را محکم گره بزنیم؛ یک، دو یا سه مرتبه این رفت و آمد دارد. موضوع دولت اسلامی و جامعه اسلامی لازم و ملزوم هم هستند؛ یعنی نمی‌توانیم بگوییم الان دولت اسلامی ایجاد شد، حالا می‌رویم جامعه اسلامی و سپس تمدن اسلامی ایجاد کنیم. نه، این‌گونه نیست. بنابراین، اینقدر باید بین این جامعه اسلامی و تمدن و دولت اسلامی رفت و برگشت بشود و مردم تجربه کنند و تقویت شوند تا ان شاء الله این حرکت مهم زمینه‌سازی شود. به اصطلاح در کارهای برنامه‌نویسی می‌گوییم باگ‌گیری بکنیم؛ حتما باید خطاهای این روند در بیاید، مشکلاتش رفع شود و سیستم عامل بومی از آن استخراج شود. سپس می‌توانیم اقدام کنیم.

نکته بعدی هم اینکه دوستان خوب فرمودند که آقا به زبان قم حرف نزن. رادیو معارفی صحبت کردن برای قشر سنتی جامعه خیلی خوب است، ولی به جای اینکه به زبان قم حرف بزنیم، اگر به زبان و لسان قوم حرف بزنیم، مفهوم‌مان راحت‌تر منتقل می‌شود. ولی این نباید

انصراف پیدا نکند به این که از آیات و روایات استفاده نکنیم، سوسول بازی و دانشگاه بازی در بیاوریم، من استاد دانشگاه هستم و حرف‌های قلمبه سلمبه قاطی حرف‌هایمان نکنیم. آن قداست باید حفظ شود. این ادبیات برای خودش پیام دارد و به ما کمک می‌کند و تأثیر خودش را بر مخاطب خواهد گذاشت.

۴. مشارکت مردم، عقبه دینی دارد: لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ وَ قِيَامِ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا^۱



حجت الاسلام محمد رضا بابایی

بازگشت به امت واحده اسلامی را بر اساس آیه ۱۰۳
سوره مبارکه آل عمران،^۲ تحت عنوان جامعه اسلامی و
تمدن اسلامی می‌توان مطرح کرد.

۱. لَوْلَا حُضُورُ الْحَاضِرِ، وَ قِيَامِ الْحُجَّةِ بِوُجُودِ النَّاصِرِ، وَ مَا أَخَذَ اللَّهُ عَلَى الْعُلَمَاءِ
أَنْ لَا يُقَارُوا عَلَى كِظَّةِ ظَالِمٍ، وَ لَا سَعْبِ مَظْلُومٍ، لَأَلْقَيْتُ حَبْلَهَا عَلَى غَارِبِهَا.
[نهج البلاغه: خطبه ۳]

اگر حضور حاضر، و تمام بودن حجت بر من به خاطر وجود یاور نبود، و اگر
نبود عهدی که خداوند از دانشمندان گرفته که در برابر شکمبارگی هیچ ستمگر
و گرسنگی هیچ مظلومی سکوت ننمایند، دهنه شتر حکومت را بر کوهانش
می‌انداختم. [ترجمه استاد حسین انصاریان]

۲. وَ اغْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَ لَا تَفَرَّقُوا وَ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ

در رابطه با دشمن‌شناسی، خداوند متعال می‌فرماید خدای یکتا را بپرستید و از طاغوت اجتناب کنید.^۱ همان‌طور که برای عبادت خدا راه‌هایی وجود دارد، اجتناب از طاغوت هم یک دانش است و برای نیل به این هدف باید اتفاقاتی را رقم زد و باید طاغوت را شناخت. شناختن طاغوت اتفاقاً یکی از راه‌های رسیدن به جامعه اسلامی و یکی از راه‌های رسیدن به عبادت خداست. اگر بخواهیم در بحث تمدن اسلامی و جامعه اسلامی کار را جلو ببریم،^۲ شاید بتوان این موارد را پشتوانه این

أَعْدَاءَ فَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِنْهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ [سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۰۳]

همگی حول محور خدا بچرخید و پراکنده نشوید! نعمت باارزش خدا به خودتان را به‌یاد آورید: دشمن همدیگر بودید و خدا دل‌هایتان را به هم مهربان کرد و با عنایتش، میان‌تان برادری برقرار شد؛ همین‌طور، فراموش نکنید زمانی را که داشتید در آتش جنگ و جنایت می‌سوختید و او از آن نجاتتان داد خدا نشانه‌های لطفش را این‌طور برایتان روشن می‌کند تا سر به راه شوید! [ترجمه علی ملکی]

۱. وَ لَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَ اجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ [سوره مبارکه نحل، آیه ۳۶]

برای هر ملتی، پیامبری فرستادیم تا بگوید: «خدا را بندگی کرده و از طاغوت دوری کنید» آن‌گاه، خدا دست گروهی را گرفت که از خود لیاقت نشان دادند و گروهی هم با بی‌لیاقتی‌شان سزاوار گمراهی شدند. پس به گوشه‌وکنار دنیا سفر کنید و ببینید آخرعاقبت آن‌هایی که آیه‌های خدا را دروغ دانستند، چه شد! [ترجمه علی ملکی]

۲. وَ نُريدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتَضَعُوا فِي الْأَرْضِ وَ نَجْعَلَهُمْ أُمَّةً وَ نَجْعَلَهُمْ

ایده مطرح کرد.

خداوند متعال در ادامه آیه ۱۰۳ سوره مبارکه آل عمران برادری بین افراد جامعه اسلامی را مطرح می‌کند و نکته جالب آیه این است که علت اجتماع بشری را وحدت فرامادی بیان می‌کند؛ یعنی این برادر شدن و تألیف قلوب توسط خود خداوند و به واسطه اسباب فرامادی رقم می‌خورد، نه به واسطه اسباب مادی. ۱. بنابراین، این جامعه زمانی می‌تواند این تألیف قلوب را داشته باشد که به یک چیزی که فارغ از روابط بین ما است گره بخورد؛ که همان دین خدا و حکم شرعی است.

راهکاری که امام خمینی (رحمة الله) برای انقلاب استفاده کردند استفاده از یک حکم شرعی بود. یعنی اگر بخواهیم در فضای مناظرمان به سمتی برویم که مردم را آگاه و هوشیار کنیم، شاید فارغ از همه تحلیل‌ها به این مورد برسیم که احکام شرعی را زنده نماییم.

آن موقع شاید کمتر کسی فکر می‌کرد که آقا سید روح‌الله پیدا شده است که راجع به یک حکم شرعی گفته که من تکلیفم را می‌دانم که این حرف را بزنم. حتی مخالفت‌هایی از برخی متدینین دیده می‌شد که می‌گفتند این آقا سید روح الله دارد زیاده‌روی و فلان

الْوَارِثِينَ [سوره مبارکه قصص، آیه ۵]

ولی ما می‌خواستیم بر بنی اسرائیل که سال‌ها دچار محرومیت شده بودند، نعمتی بزرگ ببخشیم، آنان را الگویی مردم و وارث سرزمین مصر و شامات

کنیم. [ترجمه علی‌ملکی]

۱. [سوره مبارکه آل عمران، آیه ۱۰۳]

و بهمان می‌کند. ولی این حکم خدا را جلو بردن توسط امام سبب تألیف قلوب گشت. پشتوانه این حکم شرعی نیز دوست داشتن قلبی مردم است، نه حب و بغض شخصی و خصومت‌هایی که اتفاق می‌افتد. بنابراین، این موارد باید در منابرمان مطرح شود. از کجا آمده‌ایم؟ از اینکه می‌خواهیم یک جامعه اسلامی، یک امت واحد اسلامی را مطرح کنیم؛ در یک سمت این امت واحد اسلامی، دشمن وجود دارد و در طرف دیگر آن افرادی در راه تکمیل این جامعه اسلامی قرار دارند؛ یعنی یک بخش آن دشمن‌شناسی و یک بخش دیگر آن تمدن‌شناسی می‌باشد.

بعد از قرآن، امیرالمومنین (علیه‌السلام) در خطبه ۳ نهج البلاغه اولین بار بحث جامعه را مطرح کردند.^۱ بنابراین، اشاره به این خطبه هم می‌تواند پشتوانه این قضیه باشد که این‌گونه نیست که فقط در انتخابات به یاد جمع بیفتیم و به دنبال مردم برویم؛ بلکه این در عقبه قرآنی و روایی‌مان وجود دارد. اگر بیان نشده و به گوش مستمعین نرسیده است، اشکال از ما طلبه‌ها و مبلغین است. مردم باید متوجه این مورد بشوند.

امام یک سری مواردی را می‌فرمودند، مردم می‌گفتند این را که علما نفرموده‌اند، این را مجتهد من نگفته است و چون مجتهدم نگفته، نمی‌روم. دقیقاً این را می‌گفتند که اگر مجتهدم حکم جهاد دهد، من پای جهادش هستم. در این هنگام، امام این فضا را مطرح کردند که

در این امت واحده اسلامی که زندگی می‌کنید، بدانید و بفهمید که اسلام چنین حکمی دارد.

الان نیز ما باید در هیئت‌هایمان به این برسیم که وقتی هیئت‌ها قیام می‌کنند - چون هیئت محل قیام است - بدانند و بفهمند و بفهمانند که اسلام دین اجتماع است؛ اسلام دین اجتماعی است و دین فردی نیست. بدیهی است که این جمع نیاز به تبلیغ دارد. این تبلیغ از کجا می‌آید؟ «يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ»^۱ این‌گونه نیست که شما بنشینید بگویید که من چون جامعه را دارم، نیازی نیست کاری انجام بدهم؛ همین که انقلاب کردیم کافی است. تا چه زمانی انقلابی‌گری؟

بالتر از شخص پیغمبر که نداریم؛ علاقه مردم آن زمان به پیغمبر چقدر بود شما بهتر می‌دانید. ولی می‌فرماید برای قتال در راه اسلام باید تبلیغ کنید و این‌ها را تهییج کنید و به آن‌ها انگیزه بدهید.

الان بین هیئت‌هایمان هیچ انگیزه‌بخشی وجود ندارد. حتی واقعیت این است که مثلاً سید بزرگواری که

۱ . يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ [سوره انفال، آیه ۶۵]

پیامبر! مسلمانان را به جنگ با دشمن تشویق کن. اگر افراد ثابت‌قدم‌تان بیست نفر بودند و نیروهای دشمن دویست نفر، باید در برابرشان می‌جنگیدند تا پیروز شوند؛ اگر هم از شما صد نفر بودند و آن‌ها هزار نفر، باید در برابرشان می‌جنگیدند تا پیروز شوند؛ زیرا دشمنان فهم درستی از

خودشان جزو خطبای معروف و درجه یک و مشهور و مقبول مردم هستند، عقبه ذهن‌شان این را پذیرفته‌اند که دیگر نمی‌شود کاری کرد.

حضرت آقا در کتاب «طرح کلی اندیشه اسلامی» می‌فرمایند یک جایی بعضی از علما حتی به جهاد تبیین هم نرسیدند؛ تبیین می‌کردند اما جهاد تبیین نبود. بعضی از علما و فضلا و صلحا که الان منبر می‌روند و صاحب تریبون هستند، در پشت صحنه ذهن‌شان این را قبول کرده‌اند. در فضای اسلامی باید وارد بحث استقامت بشویم. این تبلیغ در آن زمان به واسطه زبان مبارک بود و از سمت لسان پیغمبر باید اتفاق می‌افتاد؛ ولی الان شیوه‌های مختلفی دارد و هیچ‌کس هم متعرض این قضیه نیست.

یکی از این شیوه‌ها منبر است. اگر فقط منبر را بتوانیم ساده و با پشتوانه ارائه بدهیم، خودش به تنهایی یک رسانه مستقل اصلی است که می‌تواند بسیاری از مخاطبین را به درجه جوشش برساند؛ یعنی هم بتواند به بقیه اطلاع‌رسانی داشته باشد و هم بقیه را همراه کند.

ایده‌ای که وجود دارد این است که ابتدا باید برای خودمان تصویر کنیم که در فضای هیئت‌هایمان به چه مطلبی می‌خواهیم اشاره کنیم. جامعه را می‌خواهیم مطرح کنیم. همان‌طور که فرد دشمن دارد، جامعه هم دشمن دارد؛ همان‌طور که فرد دوست دارد، جامعه هم دوست دارد؛ همان‌طور که برای فرد در راه رسیدن

به موفقیت‌ها دشواری‌هایی است، برای جامعه هم دشواری‌هایی وجود دارد. ولی اینقدر فضا را فردی تصویر کرده‌ایم که نمی‌تونیم راجع به جامعه این‌گونه صحبت کنیم.

تعبیراتی که علامه طباطبایی و امام خمینی (رحمة الله) راجع به جامعه دارند را ببینید که چه فضایی را در ذهن ما تصویر می‌کنند که مثلاً راجع به جامعه یک نگاه مستقل دارند. این نگاه مستقل از کجا گرفته شده است؟ از قرآن؛ آنجا که می‌فرماید: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً»^۱. خیلی مهم است که ما این‌ها را داشته باشیم.

۱. كَانِ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ فِي مَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ فَهَدَى اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا لِمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِإِذْنِهِ وَاللَّهُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ [سوره مبارکه بقره، آیه ۲۱۳]

انسان‌های نخستین گروهی ساده و یکدست بودند که کم‌کم دچار اختلاف شدید شدند. خدا پیامبران اولوالعزم را فرستاد تا مژده‌رسان و هشداردهنده باشند و همراهشان کتاب‌های دادگستر فرستاد تا درباره چیزهایی که مردم سرش اختلاف داشتند، بین‌شان داوری کنند. ولی این عالمان زیاد خواه بودند که با وجود این‌همه دلیل‌های روشن، اختلاف‌نظر در معارف دین را باب کردند. خدا هم به‌خواست خودش به مؤمنان لطف کرد و در کوران اختلاف‌ها و تفرقه‌ها، راه را از چاه نشانشان داد. بله، خدا هر که را شایسته ببیند، به راه درست زندگی می‌برد. [ترجمه علی ملکی]

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ فِي مَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ [سوره مبارکه یونس، آیه ۱۹]

انسان‌های نخستین مردمی خداپرست بودند که کم‌کم دچار اختلافات عقیدتی شدند؛ در نتیجه، گروهی خداپرست ماندند و گروهی هم بت‌پرست

ان شاء الله اگر این اتفاق بیفتد می‌توانیم تصویر ذهنی مخاطبانمان را به سمتی ببریم که از فردیات به جامعیات برسیم. این یکی از بردهای ما در این انتخابات خواهد بود؛ حتی اگر آن چیزی که در ذهن داریم محقق نشود. به نظر بنده یک تغییر زاویه نگاه به مفاهیم اسلامی از فرد به جامعه به صواب نزدیک‌تر است.

شدند. اگر خدا مقدر نکرده بود که مردم مدتی در زمین زندگی کنند، با نابودی بت پرستان، حتماً به اختلافاتشان خاتمه می‌داد. [ترجمه علی ملکی]

۵. یادآوری پیشرفت‌های نظام به مردم برای افزایش مشارکت: وَ اذْكُرُوا اِذْ اَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْاَرْضِ



حجت الاسلام حبيب عباسی

خداوند متعال در آیه ۲۶ سوره مبارکه انفال^۱ می‌فرماید به خاطر بیاورید هنگامی را که شما در روی زمین، گروهی کوچک و اندک و زبون بودید؛ آنچنان که می‌ترسیدید در آن شکنجه‌ها و آن وضعیت مکه شما را بربایند و نابود کنند. ولی بعد از ایستادگی و استقامتی که از خود نشان دادید، خدا شما را پناه داد؛ و با یاری خود تقویت

۱. وَ اذْكُرُوا اِذْ اَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْاَرْضِ تَخَافُونَ اَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَ اَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَ رَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ [سوره مبارکه انفال، آیه ۲۶]

یادتان بیاید وقتی را که در مکه آن قدر کم‌تعداد و ضعیف بودید که می‌ترسیدید بت‌پرست‌ها شما را قتل و غارت کنند؛ ولی خدا در مدینه پناهتان داد و با پیروزی در جنگ بدر، به یاری‌تان آمد و از غنائم و چیزهای پاک و پاکیزه روزی‌تان کرد تا شکر کنید. [ترجمه علی ملکی]

نمود؛ و فضای مدینه را به شما عنایت کرد و عزت و جایگاه و احترام پیدا کردید.

یکی از مواردی که در پس ذهن مردم وجود دارد این است که تا چه زمانی مقاومت؟ تا چه زمانی استقامت و انقلابی‌گری؟ ما که داریم این کار را انجام می‌دهیم و اوضاع بدتر می‌شود! اخیراً هم بیش از ۲۰ مقام آمریکایی - آمریکایی را خودش را ابرقدرت می‌دانسته است - گفته‌اند که به دنبال جنگ با ایران نیستیم.

یادمان نرود آن روزهای جنگ را که از دادن سیم‌خاردار به ما دریغ می‌کردند، آن روزهایی که تعداد بسیار زیادی از هم‌وطنان ما به مقام شهادت نائل شدند؛ تمام این ذلت و بدبختی‌ها به خاطر کمبود و یا عدم داشتن امکانات و تجهیزات بود. در بقیه موارد نیز وضع مان به همین شکل بود. خدا این چنین وعده می‌دهد که به شما عزت و نصرت خواهم داد. اگر خدا به کسی وعده نداده، در خانه‌ات بمان و مبل و فرش و سرای ایرانی و قسطی و فلان و بهمان بخر و فقط به دنبال راحتی باش. این برای مومنینی که فضای ناامیدان جامعه ما را تشکیل می‌دهند و می‌گویند که ما هر کاری بکنیم و هر چقدر پای کار بیاییم اوضاع همینی که هست باقی می‌ماند و مسئولین و فرهنگی‌ها پای کار نمی‌آیند. خوف تمام وجود این افراد را فرا گرفته است. کافی است که یک بچه مذهبی یک روز در تهران کار اداری داشته باشد، وقتی که برمی‌گردد نصف دینش را از دست داده است؛ نه اینکه جذب بدحجابی شده باشد، بلکه از این

بدحجابی ترسیده است. یعنی می‌گوید فاتحه دین و دیانت در ایران خورده شده است!

ما باید به مردم بگوییم که تاریخ این‌گونه موارد را فراوان دیده است؛ این قصه در عصر پیامبر و ائمه اطهار (علیهم‌السلام) فراوان بوده است و اهل بیت (علیهم‌السلام) در بدترین شرایط قرار داشتند. به‌عنوان مثال، شخصی در بین راه یک نفر خیارفروش را دید، چرخ طافی او را امانت گرفت و تمام خیارها را از او خرید و شروع کرد به فروختن خیارها تا وارد کوچه امام صادق (علیه‌السلام) شد. امام با علم امامت از منزل خویش با لباس منزل بیرون آمدند و در فاصله‌ای که دو کیلو خیار انتخاب کنند و بخرند، آن شخص سوالاتش را پرسید و امام صادق (علیه‌السلام) پاسخ داد.

در این دوران، شما از هر جای ایران - و یا حتی از هر جای دنیا راحت می‌توانی یک سوال شرعی و مذهبی بپرسی؛ ولی در دوره امام صادق (علیه‌السلام) که ۴۰۰۰ شاگرد تربیت کردند، اشخاص برای پرسیدن سوالات شرع خود حتی نمی‌توانستند به خانه امام صادق (علیه‌السلام) نزدیک بشوند.

از این آیه ۲۶ سوره انفال می‌توانیم بگوییم که وعده‌های خدا در این راستا است؛ یعنی باید ظرفیت و پتانسیلش را داشته باشیم تا اتفاقی بیفتد. ولی اگر بخواهیم عقب‌نشینی کنیم و توقع داشته باشیم خداوند بدون حساب و کتاب، زندگی راحت، امنیت، عزت در ایران، عزت در دنیا، و... به ما ارزانی کند، ما فرقی با مردم

افغانستان، عراق و کشورهای دیگر نداریم. اگر قرار باشد وظایفمان را انجام ندهیم، این طور نیست که خدا به ما وعده داده باشد که به صورت فرامادی و غیرعادی از ما حمایت کند و ما را هدایت نماید؛ همین نکته‌ای که مقام معظم رهبری (حفظه الله) بدان تصریح کرده‌اند.

تهیه شده در:

مجمع خطباء اصحاب الصاحب